



سواح

احمد عزیزی

تصحیح

علموت ریتیر

مرکز نشر و انکشافی

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



سوانح

تألیف احمد غزالی

بتصحیح هلموت ریتر

تجدید چاپ: زیر نظر نصرالله بیگلریادی
مرکز نشر دانشگاهی
چاپ اول ۱۳۶۸
چاپ دوم ۱۳۹۲
تعداد ۵۰۰
چاپ و صحافی: ترام نگار
۵۰۰۰ تومان

نشانی فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، روبه‌روی سینما سپیده، پاساژ خیبری، تلفن: ۶۶۴۰۸۸۹۱، ۶۶۴۱۰۶۸۶
نشانی فروشگاه و نمایشگاه دائمی: خیابان خالد اسد بیولی، بخش یابان دهم، شماره ۵۰، تلفن: ۸۸۷۲۵۹۵۴

فروش اینترنتی: www.kiup.ir

حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاهی محفوظ است

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰-۵۰۵ق.

عنوان و نام پدیدآور: سوانح/احمد غزالی؛ به تصحیح هلموت ریتر.

مشخصات نشر: تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.

مشخصات ظاهری: بیت، ۱۰۶ ص.

فروست: مرکز نشر دانشگاهی: ۴۷۲، ادبیات فارسی: ۸.

شابک: 978-964-01-0472-9

وضعیت فهرست‌نویسی: پروتسپاری.

یادداشت: ص.ع. به آلمانی: Ahmad Ghazzali's aphorismen uber die liebe.

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۹۲ (قیما).

یادداشت: کتابنامه به‌صورت زیرنویس.

موضوع: نثر فارسی - قرن ۸ق.

موضوع: عرفان

موضوع: عشق (عرفان)

شناسه افزوده: ریتر، هلموت، ۱۸۹۲-۱۹۷۱ م.، مصحح

شناسه افزوده: مرکز نشر دانشگاهی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۶۸ ق ۹/ع ۲۸۲/۷ BP

رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۳۳۸۹۱

بسم الرحمن الرحیم

هلموت ریترو سوانح

تعداد متون فارسی که به روش انتقادی تصحیح شده است زیاد نیست. بسیاری از متون اصلی در ادبیات فارسی هنوز با چاپهای غیرهیر و مغلوط در دسترس ماست. کسانی که در صدد تصحیح انتقادی شاهنامه فارسی به آمده اند راه درازی در پیش دارند. حدیقه سنایی و دیوان او بیشتر مثنویهای عطار، خمسه نظامی و دیوانهای بسیاری از شعرا هنوز چاپ ابل اعتمادی ندارند. برخی از متون فارسی را ابتدا مستشرقان اروپایی مانند پرواز بر اون و نیکلسن و هلموت ریترو تصحیح کردند و به تبع ایشان محققان چون میرزا محمد قزوینی و مجتبی مینوی و بدیع الزمان فروزانفر و ابوالفضل لادین همای و خانلری راه ایشان را دنبال کردند، ولی متأسفانه شیوه انتقادی تصحیح متون هنوز در کشور ما بطور جدی جانیفتاده است و بسیاری از کتابهایی که برای نخستین بار به طبع می رسد، و یا مکرر تجدید چاپ می شود، مغلوط است و علت اصلی آنهم این است که مصححان ما با اصول و قواعد تصحیح انتقادی متون درست آشنایی ندارند. یکی از کارهایی که محققان ما باید انجام دهند تدوین این اصول و قواعد و عرضه نمونه های خوب تصحیح متون و بررسی کارهایی است که محققان دقیق و منضبط اروپایی و ایرانی انجام داده اند. در میان متون فارسی که خوشبختانه به روش انتقادی چاپ شده است سوانح احمد غزالی است. این اثر کوچک در میان آثار متعدد قدیم ما کتابی خوش طالع بوده است، چه تصحیح آن را نخستین باریکی از بادقت ترین و خبره ترین محققان آلمانی به نام هلموت ریترو به عهده گرفته است. این اثر که متن آن عیناً به صورت افست چاپ شده و هم اکنون در دست شماست بار اول در سال ۱۹۴۲ میلادی در ترکیه چاپ

شد. بیش از آن، متن این کتاب فقط به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها حفظ می‌شد. ریتز برای آماده کردن متن خودش نسخه خطی را پیدا کرد و از روی آنها متنی تهیه کرد که هنوز هم یکی از معتبرترین متون ماست. (این نسخه‌ها در مقدمه ریتز که در ترجمه آن خانم سوزان وکیل زاده به ما کمک کردند معرفی شده است.)

روشی که ریتز در تصحیح این اثر به کار برده روش التقاطی است. با وجود اینکه بعضی از نسخه‌های او قدیمی و متعلق به قرن هفتم بود، ولی هیچ یک از آنها در حدی نبود که بتواند نسخه اساس قرار گیرد. اهمیت کار ریتز در این بود که این روش را درست و بجا و در کمال دقت و مهارت بکار برد. ریتز فارسی را خوب می‌دانست، خیلی خوب. نگارنده سالها این متن را به وقت مطالعه کرده و قرائت همه نسخه‌های خطی ریتز و نسخه‌های دیگر را بررسی کرده و همواره از تسلط این محقق آلمانی به ریزه کاریهای زبان فارسی در این متن شگفت زده شده و او را تحسین کرده است. هیچ نقطه یا آهنگی در این متن دلیل بر لفظ دیگر ترجیح نداده و در متن نیاورده است. نثر سبک نمونه یک نثر سهل و ممتنع است. مطالب کتاب در نظر اول ساده است، ولی برای آن بسیار عمیق و باریک است. ریتز نهایت کوشش را برای درک معانی بکار برده و کمتر عبارتی است که او نفهمیده از آن عبور کرده باشد. و اگر عبارتی بوده که او درست نفهمیده بدلیل مشکل بودن خود آن عبارت را تحریفی بوده است که احياناً کاتبان در نسخه‌های خود وارد کرده بودند. ولی این عذر را اهتمام ریتز در فهم این اثر این بوده که می‌خواسته است آنرا به آلمانی ترجمه کند، کاری که هیچ وقت توفیق اتمام آنرا نیافت.

ارزش و اهمیت تصحیح متن انتقادی ریتز فقط در این نیست که این متن را به روش انتقادی و با دقت از میان نسخه‌های مغلو و گاهی پریشان برگزیده است؛ یکی از فوائد عمده این کار شیوه‌ای است که مصحح برای ضبط نسخه بدلها اختیار کرده، شیوه‌ای که گاهی به نام خود او «شیوه ریتز» خوانده می‌شود. در زیر صفحات نمایه یاسازواره

انتقادی (Critical apparatus) ضبط شده است. این سازواره يك شاهکار کم نظیر است، و دانش پژوهانی که بخواهند به تصحیح متون بپردازند می‌توانند با مطالعه آن به ظرایف و دقایق تصحیح متون پی برند، و چگونگی حل مشکلاتی را که برای مصححان پیش می‌آید، بخصوص کسانی که چندین نسخه در اختیار دارند و می‌خواهند متن خود را به روش التقاطی تصحیح کنند، بیاموزند. ریتريك عبارت را از يك یا چند نسخه در متن آورده، ولی در عین حال ضبط همه نسخه بدلها را نیز در ذیل صفحه، در سازواره انتقادی، نقل کرده و بدین ترتیب، روایت هر شش نسخه را آورده است. من شخصاً سراسر این کتاب را با سه نسخه خطی ریتريته اسنادی، و نسخه‌های (A و F و N) مقابله کرده‌ام و جز يك سطر كه چك بر مقدمه، به هیچ اشتباهی برخورددم. این کتاب غلط ندارد.

متن انتقادی ریتريته سال ۱۹۴۲ چاپ شد. تقریباً در همان زمان (در سال ۱۳۲۲ شمسی) همین اثر، مومدی بیانی از روی يك نسخه خطی، که در واقع قدیم‌تر از همه نسخه‌های ریتريته بود، چاپ کرد. برای من خوشایند نیست که این جمله را بنویسم، ولی سخن حقیقی است: کسانی که می‌خواهند تفاوت يك کار درجه اول و دوم را در تصحیح متون با يك کار درجه چندم ببینند می‌توانند متن ریتريته را با متن مومدی مقایسه کنند. سرنوشتی که متن انتقادی سوانح در ایران بدان مبتلا شده است سرنوشت اسفباری است. انتظار می‌رفت پس از چاپ این اثر توسط ریتريته، هر کس که در ایران می‌خواهد به تجدید چاپ سوانح بپردازد آنرا عیناً چاپ کند. ولی اینکار نشد. این متن در چهل سال گذشته بار بار در ایران چاپ شده است ولی نه از روی متن ریتريته. مصححان مختلفی که آنرا به اصطلاح تصحیح و چاپ کرده‌اند بعضاً به بهانه داشتن نسخه‌های دیگر، متن ریتريته را تغییر داده‌اند ولی به جای اینکه آنرا بهبود بخشند با تصرفات خود زحمات او را به هدر دادند.

نگارنده نیز یکی از کسانی بوده است که این اثر را مجدداً تصحیح و

چاپ کرده است. علت اینکه من به فکر تصحیح این کتاب افتادم این بود که می خواستم آنرا به انگلیسی ترجمه کنم. ابتدا خواستم متن ریترا عیناً به انگلیسی برگردانم. ولی به مشکلاتی برخورددم، مشکلاتی که ریترا هم بعضی از آنها را می دانسته و نتوانسته بود حل کند. نسخه های خطی او به وی اجازه نمی داد. از اینجا بود که من سعی کردم فقط این مشکلات را رفع کنم. به کمک نسخه هایی که پس از ریترا پیدا شده بود. و همین کار را کردم و چون متن من بر اساس کار ریترا و در واقع ادامه آن بود، نام ریترا به عنوان مصحح اصلی ذکر کردم. در ضمن کار، بعضی از عبارات را هم که نسخه های من از نظر من در نسخه های دیگر صحیح تر ضبط شده بود، طایفه این نسخه ها تغییر دادم. و چون کار من ادامه کار ریترا بود، همان روش را به کار بردم. سازواره انتقادی به کار بردم. سازواره انتقادی من نشان دهنده تغییرات است که در این متن داده ام، ولذا هر کس که بخواهد به ماهیت این تغییرات پی برد باید به متن ریترا و سازواره او رجوع کند.

به هر تقدیر، متن انتقادی من، با وجود اینکه سوانح چندین بار در ایران چاپ شده است، هنوز هم منی است که باید ما بدان رجوع کنیم. و همانطور که گفتم، از این متن می توان به عنوان یک الگو و یک نمونه عالی در تصحیح متون فارسی استفاده کرد.

چند کلمه ای هم در معرفی هلموت ریترا بگویم. ریترا یکی از مستشرقان طراز اول اروپایی در قرن بیستم است که تعداد قابل توجهی از متون قدیم اسلامی را برای نخستین بار تصحیح و چاپ کرده است. او در ۲۷ فوریه ۱۸۹۲ در نزدیکی فرانکفورت متولد شد، و در نزد مستشرقان معروف تئودور نلکه و کارل بروکلمان و کارل هاینریش بکر به تلمذ پرداخت. از ۱۹۱۳ در دانشگاه بن به تدریس پرداخت. در جنگ جهانی اول در عراق و ترکیه مترجم سپاه آلمانی بود و در این دوره مقالاتی درباره زبان و فرهنگ عربی و ترکی منتشر کرد. ریترا مستشرقی بود اهل ذوق، به موسیقی و شعر علاقه مند بود. شعر

فارسی و عربی و ترکی را خوب می فهمید و لطایف و دقایق آنرا درک می کرد. ریتزر جزو مستشرقانی که اسلام شناسی را به عنوان حرفه دنبال می کردند و می کنند نبود. او به دنبال حقیقت بود. روح او روحی بود سرگشته و تشنه حقیقت. اهل درد بود و زندگی او نیز دردمندانه بود. وقتی به مسائل کلامی و تصوف و عرفان و شعر عرفانی روی می آورد گمشته خود را جستجو می کرد.

از ریتزر آثار زیادی به جا مانده است: بیست و شش کتاب، بیش از یک مده تاله و دویست و بیست نقد کتاب. کتابهایی که او تصحیح کرده است یکی اسرار البلاغه عبدالقاهر جرجانی است (در استانبول ۱۹۵۴)، که ترجمه آلمانی آن نیز (در ویسبادن، سال ۱۹۵۹) به قلم او منتشر شده است. هم چنین کتابهای مقالات الاسلامیین ابوالحسن اشعری (استانبول، ۱۶۲۹-۳۰)، الوافی بالوفیات الصفدی، جلد اول (استانبول، ۱۹۳۱؛ چاپ دوم ویسبادن، ۱۹۶۲)، فرق الشیعه نوبختی (استانبول، ۱۹۳۱)، مشارع انوار القلوب ابن الدباغ (بیروت، ۱۹۵۹)، هفت پیکر نظامی با همکاری ریچارد ابنت (۱۹۳۴)، الهی نامه عطار (در ۱۹۴۰). ریتزر درباره نظامی گنجوی کتابی به زبان آلمانی نوشت (۱۹۲۷) که هنوز هم يك تحقیق معتبر در این زبان به شمار است. شاهکار او کتاب دریای جان است که درباره زندگی آثار عطار نوشته است. تأسیس مجله شرقشناسی Oriens در سال ۱۹۴۸ و نوشتن مقالات و نقدهای متعدد و چاپ آنها در این مجله، نوشتن مقالاتی در دائرة المعارف اسلام و نظارت بر مجله Der Islam که کارل هاینریش بکر (C.H. Becker) در سال ۱۹۱۹ تأسیس کرده بود از دیگر کارهای علمی و فرهنگی ریتزر است.

علاقه ریتزر به موضوعات متنوع بود. نه تنها به شعر و ادبیات و کلام و تصوف و عرفان، بلکه گاهی به موضوعاتی چون علوم غریبه و سحر و جادو و تجارت نیز علاقه نشان می داد (چنانکه کتاب غایة الحکیم منسوب به مسلمة مجریطی را تصحیح و ترجمه و در ۱۹۶۲ منتشر کرد) و درباره

آنها چیز می نوشت. هم چهارمقاله نظامی عروضی را به آلمانی ترجمه می کرد (۱۹۲۲) هم کیمیای سعادت غزالی را (۱۹۲۳). هم تاریخ ادبیات فارسی در دوره معاصر را می نوشت (۱۹۲۳) و هم درباره حروفیه تحقیق می کرد.

تلاطمی که در دهه ۱۹۳۰ در اوضاع اجتماعی و سیاسی آلمان پدید آمد تا حدودی در زندگی ریتز تأثیر گذاشت. ظاهراً نازیها او را آزار دادند و باعث شدند که وی کشور خود را ترك کند. ریتز سالها در دربدری و سهایبی و اندوهی پنهان بسر برد. در سال ۱۹۱۹ جانشین کارل بکر در ممبرک شد بود. در سال ۱۹۲۷ با سمت مدیر شعبه استانبول «انجمن مستشرقان آلمان» به ترکیه رفت و تا سال ۱۹۴۹ در استانبول ماند. این فرصت خوبی بود که ریتز بتواند به مطالعه نسخه های خطی گرانقدر فارسی و عربی در کتابخانه های ترکیه بپردازد. در سال ۱۹۳۵ استاد دانشگاه استانبول شد. و این موفقیتی بود که نصیب دانش جویان و دانش پژوهان ترکیه شد. چندین نفر از این سالها و در سالهای بعد نزد ریتز تلمذ کردند که یکی از آنان محقق ترك احمد آتش بود. ریتز بعد از جنگ در سال ۱۹۴۹ به آلمان برگشت. و این سال از اینک در سال ۱۹۵۷ از دانشگاه فرانکفورت بازنشسته شد به ترکیه بازگشت و دوازده سال دیگر در آنجا ماند. در سال ۱۹۶۹ باز به فرانکفورت رفت و سرانجام در ۱۹ مه ۱۹۷۱ در سن هفتاد و نه سالگی از دنیا رفت.

ریتز در ایران چندان گمنام نیست. الهی نامه ای را که از تصحیح کرده است افست کرده اند و تا کنون بهترین متن مصحح این اثر است. در واقع تنها مثنوی عطار که به روش انتقادی و قابل اعتماد تصحیح شده است همین چاپ است. بعضی از مقالات او نیز به فارسی ترجمه شده است. از جمله مقاله ای که وی درباره حروفیه نوشته است (فرهنگ ایران زمین، سال ۱۰ (۱۳۴۱) ص ۳۹۹-۳۱۹). و همچنین مقاله ای با عنوان «ترجمه ابوریحان بیرونی از پاتانجل» (در مجله معارف اسلامی شماره ۱۱، ۱۳۴۹، ص ۳۱-۲۷). مقاله «نزاع دیوانگان با خدا» را نیز

چندی پیش نگارنده از انگلیسی ترجمه کرد (نشر دانش، سال ۷، شماره ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵). فصلی از کتاب دریای جان را نیز آقای دکتر زریاب خویی برای مجله معارف ترجمه کرده اند (معارف، سال ۴، شماره ۲، مرداد - آبان ۱۳۶۶). با تجدید چاپ سوانح يك اثر دیگر از آثار درخشان و آموزنده این محقق سختکوش آلمانی در دسترس عموم فارسی زبانان قرار می گیرد. ولی واجب ترین کاری که باید روزی در کشور ما انجام گیرد ترجمه کامل دریای جان به فارسی است.

نصرالله پورجوادی

بهمن ۱۳۶۷